

## واکاوی تطبیقی شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستانهای تألیفی و ترجمه‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ گروه سنی ب و ج براساس دیدگاه ماریا نیکولایوا

آزاده لاریجانی، فرشته مؤمنی\*، وجیهه ترکمانی باراندوزی، مریم شادمحمدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۱۴۱-۱۶۰

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۴۸

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** در سالهای گذشته داستانهای ترجمه‌ای نسبت به داستانهای تألیفی کودکان در کشور همواره در جذب مخاطب موفقتر بوده‌اند. بخشی از این موضوع ناشی از عواملی است که به ساختار محتوایی داستان برمیگردد. شخصیت و شخصیت‌پردازی یکی از عناصر مهم در ساختار روایی داستان کودک و نوجوان است. در هر داستان، کاراکتر حالت پایدار نخستین را دگرگون میکند و مدار داستانی را بوجود می‌آورد. این پژوهش به مقایسه عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی از دیدگاه ماریا نیکولایوا در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای گروه سنی ب و ج، و بررسی تطبیقی ویژگیهای مسبب جلب مخاطب در این داستانها میپردازد تا علت اقبال به داستانهای ترجمه‌ای در مقایسه با داستانهای تألیفی در جذب مخاطب را از این منظر دریابد.

**روش مطالعه:** در این پژوهش تحلیلی-تفسیری با رویکرد اثبات‌گر (کمی)، عناصر مختلف کاراکترسازی و شخصیت‌پردازی در یکایک نمونه‌ها مورد مشاهده قرار گرفته است. داده‌ها ابتدا به روش اسنادی و کتابخانه‌ای، از مطالعه و استخراج مجموعه‌ای از ویژگیهای شخصیت و شخصیت‌پردازی داستانهای پنجاه جلد کتاب (۳۰ جلد ترجمه‌ای و ۲۰ جلد تألیفی) از پرطرفدارترین کتابهای داستان کودک و نوجوان منتشرشده در بازه زمانی سالهای ۹۵-۸۵ گردآوری و طبقه‌بندی شد. آنگاه با بدست‌آوردن مقدار عددی متغیرهای بررسی‌شده در شخصیت و شخصیت‌پردازی، تحلیل محتوای کیفی بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا صورت گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان میدهد که در هر دو نوع داستان، بیشتر کاراکترهای اصلی از نوع انسانی بوده و نسبت کاراکترهای اصلی از نوع انسانی در داستانهای ترجمه‌ای به تألیفی ۹۰ درصد به ۳۵ درصد بوده است. از میان کاراکترهای اصلی انسانی از نوع کودک نسبت داستانهای ترجمه‌ای به تألیفی ۸۱/۵ درصد به ۵۴/۵ درصد کاراکترهای اصلی بوده است. در ۵۰ داستان بررسی‌شده تألیفی و ترجمه‌ای، بیشترین درصد به شخصیت‌های خاکستری، پویا و تک‌بعدی اختصاص یافته و نسبت شخصیت‌های خاکستری ترجمه‌ای به تألیفی ۴۲ درصد به ۱۸ درصد، شخصیت‌های پویای ترجمه‌ای به تألیفی ۴۶ درصد به ۲۶ درصد و نسبت شخصیت‌های تک‌بعدی ترجمه‌ای به تألیفی ۳۶ درصد به ۲۸ درصد بوده است. شخصیت‌های کاراکترها در هر دو نوع ساده، برونگرا و فاقد انگیزه‌های پیچیده و از عناصر باورپذیری برخوردار بوده‌اند. بیشتر داستانهای ترجمه‌ای شخصیت‌پردازی تلفیقی داشته و در تألیفها روش شخصیت‌پردازی غیرمستقیم و روش تلفیقی به یک اندازه بوده است. در هر دو داستان، شخصیت‌پردازی بیرونی بیش از شخصیت‌پردازی درونی مورد توجه قرار گرفته و از میان ابزارهای مختلف برای شخصیت‌پردازی از سه ابزار کنش، گفتار و آشنایی‌زدایی استفاده بیشتری شده است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های حاصل از تطبیق نتایج نشان میدهند که کتابهای داستانی ترجمه‌ای نسبت به کتابهای تألیفی، بسبب رعایت بیشتر عوامل مؤثر در انتخاب کاراکتر و شخصیت‌پردازی بعنوان بخشی از اسباب گرایش کودکان و نوجوانان، در جذب مخاطبان خود موفقتر بوده‌اند.

تاریخ دریافت: ۰۵ تیر ۱۴۰۰  
تاریخ داوری: ۰۶ مرداد ۱۴۰۰  
تاریخ اصلاح: ۱۷ مرداد ۱۴۰۰  
تاریخ پذیرش: ۰۷ مهر ۱۴۰۰

### کلمات کلیدی:

کاراکتر، شخصیت‌پردازی، واکاوی تطبیقی، داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای، گروه ب و ج، ماریا نیکولایوا

\* نویسنده مسئول:

f\_momeni211@iauc.ac.ir ✉  
۲۲۲۶۶۰۱ (+۹۸ ۱۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**A Comparative Analysis of Character and Characterization in the Authored and Translated Stories of the ۱۰'s and ۹'s for B and C Age Levels, Based on Maria Nikolajeva's Viewpoint**

A. Larijani, F. Mo'meni \*, V. Turkmani Barandoozi, M. Shadmohammadi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۶ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۸ July ۲۰۲۱

Revised: ۰۸ August ۲۰۲۱

Accepted: ۲۹ September ۲۰۲۱

KEYWORDS

Character, characterization, Comparative Analysis, Authored and Translated Stories, B and C Age Levels, Maria Nikolajeva

\*Corresponding Author

✉ [f\\_momeni211@iauc.ac.ir](mailto:f_momeni211@iauc.ac.ir)

☎ (+۹۸ ۱۱) ۲۲۲۶۰۱

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** In recent years, translated stories have always been more successful in attracting audiences than stories written by children in the country. Part of this is due to factors that go back to the content structure of the story. Character and characterization are crucial elements in the narrative structure of the children's literature. As a matter of fact, it is the fictional character which modifies the stable initial status of the story and builds up its axis. This paper investigates the character and characterization, comparatively in the Authored and Translated Stories for B and C Age Levels, to analyze their features in order to evaluate which one has been more successful to allure the addressees based on the viewpoint of Maria Nikolajeva.

**METHODOLOGY:** The relevant data in this analytical-interpretive research together with a quantitative approach have been collected and classified through extracting the features of character and characterization in every single story of ۵۰ best-seller Persian stories (۲۰ translated volumes and ۲۰ authored volumes) published during the years ۱۳۸۵ to ۱۳۹۵. After obtaining the numerical values of variables relevant to the matter, qualitative analysis has been performed according to Maria Nikolajeva's theory.

**FINDINGS:** The findings show that human characters are mainly used in the both of these stories. The ratio of main human characters in the translated stories to the authored ones is ۹۰ to ۳۵ percent. Inside the main human characters, the proportion of the children characters in the translated books to the authored ones is ۸۱/۵ to ۵۴/۵ percent. In both of the mentioned stories, a high percentage of the characters are gray, dynamic and one-dimensional. The ratio of gray characters in the translated stories to the authored ones is ۴۲ to ۱۸ percent, the ratio of dynamic characters in the translated to the authored stories ۴۶ to ۲۶ percent, and the ratio of one-dimensional characters in the translated stories to the authored ones is ۳۶ to ۴۲. In both of these stories the characters are simple and extroverted ones which lack intricate motivations but contain credible elements. Characterization in the most of translated stories is integrated, while in the authored ones implicit and integrated characters are used equally. In both of the mentioned stories characterization is mainly explicit, and tools like performance, speech and defamiliarization have been used as the relevant tools in character development.

**CONCLUSION:** The findings obtained from the comparison show that translated stories, due to better and efficient character selection and characterization have been more flourishing in attracting the addressees.

DOI: [1۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۴۴۸](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7448)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۲	 ۴	 ۴

## مقدمه

یکی از عناصر مهم داستان، شخصیت (Character) است. بسیاری از صاحب‌نظران شخصیت را مهمترین عنصر داستان دانسته‌اند و معتقدند مهمترین عامل طرح داستان است. شخصیت محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد، به پیرنگ شکل و ساختار میبخشد و تخیل نویسنده را بنمایش میگذارد (هنر داستان‌نویسی، یونسی: ص ۲۷۵؛ قصه‌نویسی، براهنی: ص ۶۳؛ خلق شخصیت‌های ماندگار، سیگر<sup>۱</sup>: ص ۳۳).

اصطلاح شخصیت در مفهومی که برای داستان‌نویسی و نمایش (درام) بکار میرود، در اصل برآمده از واژه لاتینی *persona* است و به نقاب یا ماسکی گفته می‌شده که در یونان قدیم بازیگران تئاتر به صورت خود میزدند. به مرور زمان معنای آن گسترده شد و نقشی را که بازیگر ایفا میکرد نیز دربر گرفت (مکتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، شاملو: ص ۱۵). در داستان و نمایشنامه، واژه *Character* را نیز در معنای شخصیت، پرسوناژ و نقش (*role*) بکار می‌برند. این واژه اما، از ریشه یونانی (*χαρακτήρ* / *Charaktēr*) به معنای کیفیت برجسته یا متمایز گرفته شده است و با همین مفهوم هم وارد زبان لاتین شده و چنانکه گفته شد بر واژه شخصیت دلالت دارد (دانشنامهٔ مریام وبستر<sup>۲</sup>: ۲۰۲۱).

در کنار شخصیت داستانی، اصطلاح شخصیت را در روانشناسی هم داریم. شخصیت (*persona*) یا نقاب در روانشناسی طریقهٔ سازگاری و کنار آمدن و رفتار فرد با جهان است. به زبان روانشناسی بین ناخودآگاه و خودآگاه سوبه‌ای است موسوم به *Ego* (من/خود) که منشأ فعالیت‌های روانی است. اگو در برخورد با دنیای خارج بصورت *persona* (نقاب) درمی‌آید. *persona* درحقیقت همان شخصیت است که در انسانها متفاوت است؛ ممکن است احساساتی یا مصمم و قاطع باشد (نقد ادبی، شمیسا: ص ۲۸۹).

با تعاریف ارائه‌شده از «شخصیت» در ادبیات داستانی و روانشناسی، باید میان شخصیت داستانی با شخصیت در روانشناسی تفاوت قائل شد. شخصیت از نظر روانشناسی به ویژگی‌های نسبتاً پایداری از رفتار، هیجان و نحوهٔ تفکر گفته میشود و سبک خاص هر فردی را در ارتباط با دنیای درونی و نحوهٔ تعامل با محیط اجتماعی شکل میدهد (الیس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)؛ اما شخصیت داستانی آن است که عمل داستان توسط او انجام میشود. از آنجاکه مفهوم شخصیت هم در ادبیات داستانی و هم در روانشناسی وجود دارد، نیز مفهوم شخصیت برای سه واژه *personality*، *persona* و *character* بکار میرود، برای پرهیز از خلط مفهوم شخصیت در ادبیات داستانی و روانشناسی، در این مقاله برای هرچه به مفاهیم روانشناسی (با معنای *personality* یا *persona*) برمیکردد یعنی مربوط به خویشتن و رفتار فردی هر شخص است و سبب منحصر به فرد شدن او میشود، اصطلاح «شخصیت» را بکار می‌بریم؛ و آنچه مربوط به بازیگری و نقشمندی (*character*) است با اصطلاح «کاراکتر» بیان میگردد. در ادبیات داستانی، هر کاراکتر باید یک شخصیت (پرسونا) داشته باشد و بر اساس آن پرسنالیتی که دارد، انواع شخصیت‌های داستانی (کاراکترها) را شکل میدهد.

گروه سنی «ب و ج» سنین هفت تا دوازده سالگی را شامل میشود. با توجه به اینکه در این گروه سنی مهارتهای خواندن و نوشتن آغاز میشود و فرد با دنیای کتاب و کتابخوانی آشنا میشود، اهمیت و تأثیر ادبیات کودک و نوجوان در پرورش و رشد آنان انکارناپذیر است. از خصوصیات و ویژگی‌های این گروه سنی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

<sup>۱</sup>. Seger, L

<sup>۲</sup>. Dictionary, Merriam-Webster ۲۰۲۱

<sup>۳</sup>. Ellis, A.

کودک در این دوره از رشد ذهنی سریعی برخوردار است و کم‌کم آموزش خواندن و نوشتن را فرا گرفته و به جهان وسیع‌تری گام می‌گذارد. تصویر روشن‌تری از خود دارد و موقعیت خود را در محیط پیرامون بهتر درک می‌کند. به تحرک و فعالیت‌گریز بیشتری پیدا می‌کند و به بازیهای پر جنب‌وجوش علاقه نشان می‌دهد. سعی می‌کند با همسالان خود ارتباطی نزدیک برقرار کند و تلاش می‌کند مشکلات خود را به دست خویش حل کند. اضطراب و نگرانی در این دوران بیشتر می‌شود زیرا کودک به توجه همسالان، والدین و معلمان به خود اهمیت می‌دهد و دوست دارد مورد پذیرش آنان باشد. او از همسالان و همکلاسیهای خود تأثیر می‌گیرد. به مهر و محبت والدین محتاج است و عدم پذیرش عاطفی از طرف والدین در او اختلال شدید عاطفی ایجاد می‌کند. رنج و شادی میتواند در تحریک عواطف کودک مؤثر باشد. درون‌گرایی و تفکر یکی از ویژگیهای بارز این دوره از زندگی است. این سن آغاز رشد روابط اجتماعی کودک است. او می‌آید اجتماعی شدن را تمرین کند، حس تعلق به جمع را تجربه کند، تا بتدریج شخصیت اجتماعی خود را شکل دهد. کودک در این دوران کم‌کم درک می‌کند چه کسی است و چه موقعیت و مقامی در جامعه دارد (روانشناسی رشد، نجاتی: صص ۴۸-۴۷).

همیشه در میان کتابهایی که برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود، کتابهایی را میتوان یافت که نسبت به بقیه فروش بیشتری دارند. بنابر آمار و ادعای فروشنده‌های کتاب کودک و نوجوان، کتابهای ترجمه‌ای نسبت به تألیفی همواره فروش بیشتری دارد و قفسه‌های بخش کودک و نوجوان کتابفروشیها پر از کتابهایی با نویسندگان خارجی و مترجمان ایرانی است. از شواهدی که مؤید این موضوع می‌باشد، میتوان به آمار مربوط به کتابهای ترجمه‌ای و تألیفی کودکان و نوجوانان در سال ۹۴ که از سوی پژوهش خبری معاونت خبر (https://www.iribnews.ir/004dJQ) ارائه شده اشاره کرد که نسبت کتابهای ترجمه‌ای را ۶۶/۳۶ در مقابل ۳۳/۶۴ تألیفی نشان می‌دهد. همچنین آمار منتشر شده از سوی خانه کتاب و ادبیات ایران (بهارانه کتاب: ص ۴۹) نسبت فروش کتاب داستانهای ترجمه‌ای کودک و نوجوان را به تألیفی در بهار و تابستان ۹۹ به ترتیب ۴۰/۴ درصد نسبت به ۱۱/۱ درصد اعلام نموده است. در تابستان همان سال، ۳۸ درصد داستان ترجمه‌ای و ۱۳ درصد داستانهای تألیفی کودک و نوجوان، جزو پرفروشها بوده است (خانه کتاب و ادبیات ایران، تابستانه کتاب: ص ۲۷). گرچه عوامل پرشماری میتوانند در این موضوع دخیل باشند، بی‌تردید محتوای کتاب از عوامل بسیار مؤثر در میزان بیشتر فروش و گرایش کودکان به کتابهای ترجمه‌ای نسبت به کتابهای تألیفی است. این پژوهش دنبال آن است که از جنبه محتوای ادبی به کاوش این عامل بپردازد و در این راستا، مولفه شخصیت‌پردازی را بعنوان مهمترین عنصر روایی، در کتابهای کودکان مدنظر قرار میدهد. هدف این پژوهش مقایسه عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی از دیدگاه ماریا نیکولایووا<sup>۱</sup> در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای گروه سنی ب و ج در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵، تعیین میزان موفقیت هر یک در جذب مخاطبان نشان و بررسی علل و عوامل مؤثر در موفقیت کتابهای کودکان از دیدگاه ادبی در جذب مخاطبان می‌باشد.

## روش مطالعه

در این تحقیق، نخست با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای داده‌های مورد نیاز از تعداد پنجاه جلد کتاب ادبیات داستانی کودک و نوجوان (آثار داخلی ایران و ترجمه‌ای) گردآوری شد. سپس در هر کتاب داستان، به بررسی

<sup>۱</sup>. Nikolajeva, M.

عنصر شخصیت (نوع کاراکتر اصلی داستان) و شخصیت‌پردازی (نوع شخصیت کاراکتر)، بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا پرداخته شد. آنگاه داده‌های حاصل که شامل دو جدول جداگانه برای آثار داخلی و ترجمه‌ای بود، از طریق نرم‌افزار (SPSS، نسخه ۱۶) در جدول محاسبات عددی قرار گرفت تا شخصیت و شخصیت‌پردازی در هر دو دسته از آثار، مقایسه کمی شود. در پایان، به این پرسشها پاسخ داده شد که شخصیت و شخصیت‌پردازی در هر دسته از داستانها تا چه میزان همسو با جنبه‌های موردنظر نیکولایوا بوده؛ چرا داستانهای ترجمه‌ای در جذب مخاطبانشان موفقتر بوده‌اند و علت این موفقیت از جنبه شخصیت‌پردازی چه بوده است.

جامعه آماری پژوهش دربردارنده پرفروشترین کتابهای داستان کودک رده سنی ب و ج نوشته نویسندگان ایرانی یا ترجمه‌ای بودند که در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ انتشار یافته‌بودند. منبع دستیابی به این کتابهای داستان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه عمومی بود و بسیاری دیگر از کتابها از کتابفروشیها خریداری شد. حجم نمونه شامل پنجاه جلد کتاب بوده که تعداد ۲۰ جلد آن نوشته‌های تألیفی و تعداد ۳۰ جلد آن ترجمه‌ای از زبانهای انگلیسی، آمریکایی، ایتالیایی، سوئدی، و ایرلندی بوده است.

### سابقه پژوهش

پژوهشهای اندکی در زمینه بررسی ساختار روایی داستانهای کودک بر مبنای نظریه نیکولایوا انجام شده است؛ از آن جمله میتوان به پژوهشهای زیر اشاره کرد:

حسام‌پور و آرامش‌فرد (۱۳۹۱) در پژوهش خود از نظریه نیکولایوا در تحلیل ابعاد روایت‌مندی داستان «سه سوت جادویی» احمد اکبرپور بهره‌گرفته‌اند و در قسمت شخصیت و شخصیت‌پردازی به این نتیجه رسیده‌اند که لحن یکنواخت شخصیتها و غلبه صدای راوی بر شخصیتها از انسجام و قدرتمندی اثر کاسته است و این امر سبب شده تا ویژگیهای مثبت آنطور که شایسته است، جلوه نکند.

حسام‌پور و همکاران (۱۳۹۳) بر اساس نظریه نیکولایوا و اسکات<sup>۱</sup> با بررسی تطبیقی کتابهای برتر داستانی تصویری ایرانی و غیرایرانی «تارنمای برهم‌کنشانه متن و تصویر» را مورد واکاوی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که داستانهای خارجی با ساختاری نو و معنادار سنجیده‌تر و پرورده‌تر از داستانهای ایرانی هستند و حتی چشم‌اندازی گسترده‌تر و پیچیده‌تری از راهکارهای نیکولایوا و اسکات را پیش روی مخاطب میگذارند.

حسام‌پور و مصلح (۱۳۹۴) بر پایه نظریه نیکولایوا و اسکات به مقایسه «رابطه متن و تصویر در کتابهای داستانی-تصویری برگزیده ایرانی و اروپایی-آمریکایی معاصر» پرداختند و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه متن و تصویر در داستانهای اروپایی و آمریکایی معاصر درمقابل رابطه متن و تصویر داستانهای ایرانی، دارای ساختاری هنرمندانه‌تر، پویاتر و نیرومندتر است.

جمالی و قربانی (۱۳۹۷) براساس نظریه نیکولایوا داستان «هزار و یک سال» مندنی‌پور را مورد واکاوی قرار داده و در بخش شخصیت و شخصیت‌پردازی به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده این اثر به جای خلق شخصیت‌های تمامی خوب یا بد تلاش کرده به بعضی از شخصیتها بعد روانی ببخشد. همچنین در شخصیت‌پردازی کوشیده با روش شخصیت‌پردازی مستقیم و بیرونی و با استفاده از ابزارهایی چون توصیف و روایت، بیان ویژگیهایی از زبان راوی و خود شخصیتها و با تکیه بر کنشها، شخصیت را برای خواننده ملموس‌تر کند. در معرفی شخصیت‌های تخیلی داستان

۱ . Scott, C.

هم در کنار شخصیت‌پردازی بیرونی، کنشها و ویژگیهای شگفتی برای آنها آفریده تا سطح باورپذیری مخاطب را ارتقا بخشد.

عمران صادقی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی داستانهای فانتزی دهه هشتاد از منظر نظریه‌ی روایی نیکولایا پرداخته‌اند و در بخش شخصیت‌پردازی به این نتایج اشاره داشته‌اند که در داستانهای کودکان شخصیت‌پردازیها مستقیم و توصیفی است و در داستانهای نوجوانان شخصیت‌پردازیها غیرمستقیم و بوسیله‌ی معرفی کنش شخصیتها صورت میگیرد.

قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) براساس نظریه‌ی نیکولایا به بررسی «رابطه‌ی رشدشناختی و درک روایی در ادبیات داستانی کودک و نوجوان» پرداختند و به این نتیجه رسیده‌اند که دستیابی به مخاطبان فعال و پویا در حوزه ادبیات داستانی در دوره‌ی بزرگسالی بدون تربیت ذهنی و عاطفی مخاطبان کودک و نوجوان از رهگذر داستانهای پیشاهبوطی و سپس دوره‌ی کارناوالی میسر نیست. تربیت مخاطبان با خصایص مراحل سه‌گانه‌ی مزبور میتواند به گسترش دانش و شناخت مخاطبان داستان منجر گردد.

تاکنون از منظر گرایش کودکان به مطالعه‌ی کتابهای داستان، بر پایه‌ی این رویکرد نظری مطالعه‌ی صورت نگرفته و این نخستین بار است که با مقایسه‌ی جنبه‌ی از ساختار روایی کتاب کودک در آثار داخلی و ترجمه‌ای، کوششی صورت میگیرد تا مشخص نماید چرا کتابهای ترجمه‌ای در جذب مخاطبان نشان نسبت به کتابهای تألیفی موفقتر بوده‌اند و عوامل داستان‌پردازی مؤثر در موفقیت این کتابها چه بوده است.

## بحث و بررسی

### شخصیت و شخصیت‌پردازی

ماریا نیکولایوا، پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، در نظریه‌ی روایت‌شناسی خود (۲۰۰۴) پیرنگ، شخصیت و شخصیت‌پردازی، چشم‌انداز و زمان را عناصر ساختار روایی داستان برمی‌شمارد. نیکولایوا به عنصر شخصیت در ادبیات کودک اهمیت بسیاری میدهد زیرا آن را محور همه‌ی رویدادها میداند. او برای تحلیل شخصیت‌های داستان از منظر روایت‌شناسی دو پرسش بنیادین را مطرح میکند: اینکه «نویسندگان کاراکترها را چگونه می‌سازند؟» و «شخصیت چگونه به خواننده نشان داده میشود؟» (نیکولایوا، به نقل از حسام‌پور و آرامش‌فرد، ۱۳۹۱)

سلیمانی (فن داستان‌نویسی: ص ۱۱۵) به نقل از ترنل<sup>۱</sup> شخصیت داستانی را یک ساختمان کلامی معرفی میکند که بیرون از محدوده‌ی کتاب هیچ موجودیتی ندارد؛ محملی است که حالات و احساسات داستان‌نویس در آن متجلی میشود و اعتبار و ارزش آن در روابطی است که با دیگر ساختمانهای کلامی نویسنده برقرار میکند. در بحث شخصیت‌پردازی آنچه برای نیکولایوا اهمیت دارد، شیوه‌ی ارائه‌ی شخصیت است. او به شخصیت‌پردازی به شیوه‌ی توصیف مستقیم میتازد و آن را آشکارا آموزشی میخواند و آنچه او میپسندد شخصیت‌پردازی به شیوه‌ی غیرمستقیم و از راه کنش است؛ زیرا در این صورت به مخاطب اجازه‌ی آزادانه میدهد که کنشها و واکنشهای کاراکترها را از زاویه‌ی دید خویش تفسیر کند. او کنشهای کاراکترها را ابزاری غیرمستقیم برای معرفی آنها میداند و معتقد است کنشهایی که با گفتگو همراه باشد، داستانی زیبا و جذاب را در ادبیات کودک و نوجوان بوجود می‌آورد. (مجموعه مقالات دیگر خوانیهای ناگزیر، نیکولایوا: صص ۵۶۳-۵۶۲).

<sup>۱</sup> Ternel, T.

شخصیت‌پردازی<sup>۱</sup> شیوه‌ای است که نویسنده برای خلق و نمایش کاراکتر یا کاراکترهای داستانی‌اش از آن بهره میبرد. کاراکتر یک داستان ارتباط تنگاتنگی با دیگر عناصر داستان و مخاطب دارد و بدون آن، شکل‌گیری داستان ممکن بنظر نمی‌رسد (خلق شخصیت‌های ماندگار، سیگر: ص ۴۸). خوانندگان هویت خود را با تفکر کاراکتر داستان شکل می‌دهند (زمینه شناخت ادبیات کودکان و نوجوانان، یوسفی: ۱۲۷).

مک‌کی<sup>۲</sup> (داستان؛ ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی: ص ۲۴۶) در تعریف شخصیت‌پردازی می‌گوید: «شخصیت‌پردازی یعنی مجموع خصایص قابل مشاهده، ترکیبی از خصایص ظاهری که شخصیت را یگانه و منحصر بفرد میکند». در داستانهای کودک و نوجوان شخصیت‌پردازی از این جهت مهم تلقی می‌شود که بعضی از افکار و اعمال و رفتارها برای کودکان در مراحل سنی مختلف قابل درک و فهم نیست. اگر شخصیت‌های داستان متناسب با سن، علایق و خواسته‌های کودک انتخاب نشوند، کودک نمیتواند با داستان انس بگیرد و با شخصیتها همزادپنداری کند؛ در این صورت، انتقال پیام به کودک نیز دشوار خواهد شد.

در ادبیات کودک، نویسنده‌ها بیشتر به شخصیت‌پردازی بیرونی گرایش دارند تا درونی؛ زیرا توصیف بیرونی تصویری آشکارتر از شخصیت در اختیار خواننده قرار میدهد. در توصیف بیرونی نویسنده با گزاره‌های روایی، ویژگیهای شخصیت‌های داستانی را در حد و اندازه‌ای که صلاح ببیند، به کودک منتقل میکند. همین گزاره‌ها و توصیفات است که تفسیر کودک از شخصیت داستان را شکل میدهد (مجموعه مقالات دیگرخوانیهای ناگزیر، نیکولایوا: ص ۵۶۶-۵۶۵). از دیدگاه نیکولایوا، شخصیت‌پردازی از راه کنش، جزو شخصیت‌پردازی بیرونی بشمار می‌آید (همان: ص ۵۶۳). رفتارهای بیرونی در برابر رویدادهای گوناگون میتواند راهی برای نشان دادن خلق و خوی شخصیتها باشد. طبق نظر او «یکی از ابزارهای نیرومند در شخصیت‌پردازی، آشنایی‌زدایی یا بیگانه‌سازی است که به نویسنده مجال میدهد کاراکترها را در موقعیتهای غریب قرار دهد و در نتیجه داستان را برای خوانندگان هیجان‌انگیز کند» (همان: ص ۵۶۴).

یکی دیگر از شیوه‌های شخصیت‌پردازی، استفاده از نقل قول مستقیم است. این شگرد شخصیت را بدون هیچ واسطه‌ای به ما می‌شناساند؛ اما نیکولایوا در مورد استفاده از این شیوه در ادبیات کودک می‌گوید: «از آنجاکه سخن مستقیمی که از زبان خود کاراکتر ادا میشود، آنچه می‌گوید و چگونگی گفتنش، آن کاراکتر را بی هیچ واسطه‌ای به ما می‌شناساند، ممکن است چنین پنداشته شود که این شیوه ساده‌ترین و روشنترین راه شخصیت‌پردازی است. اما در ادبیات کودک نقل قول مستقیم بیشتر برای پیشبرد پیرنگ بکار میرود، نه همچون شگردی در شخصیت‌پردازی» (همان: ص ۵۶۵-۵۶۴).

### تقسیم‌بندی کاراکترها و شخصیتها

#### نوع کاراکترها

کاراکترها و شخصیتها در داستانهای کودک و نوجوان دارای تنوع و گستردگی فراوانی است و این تنوع ضرورت طبقه‌بندی دقیق آنها را در ادبیات کودک می‌طلبد. بنا بر نظر محمدی (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان: ص ۱۹۹)، تنوع کاراکترها و شخصیتها در داستانهای کودکان هم به آثار نویسنده تازگی میبخشد هم سبب گسترش دامنه شناخت کودکان از جانوران، گیاهان، پدیده‌های طبیعی و خیالی میشود. گذشته از انسان بودن کاراکتر اصلی

<sup>۱</sup>. characterization

<sup>۲</sup>. McKee, R.

داستان، کودک بودن او نیز میتواند داستان را برای خواننده جذابتر کند؛ زیرا مخاطب کودک راحتتر با آن ارتباط برقرار کرده و همزادپنداری میکند.

**شخصیتهای سیاه، سفید و خاکستری:** شخصیتهای داستان باید ملموس و واقعی باشند؛ یعنی نباید مظهر تقوا یا مظهر دناوت و پستی یا ترکیبی از خصلتهای متضاد و ناممکن باشند. اگر کاراکتر در داستانهای کودک شخصیتی واقعی نداشته نباشد، باورپذیر بودن او برای کودک دشوار شده و کودک نمیتواند با او ارتباط برقرار کند. شخصیتهای خاکستری در موقعیتهای مختلف، رفتارهای متفاوتی از خودشان نشان میدهند و بهتر میتوانند داستان را پیش ببرند تا یک شخصیت سیاه مطلق یا سفید مطلق. بیشتر انسانها گاهی رفتار مثبت دارند و گاهی منفی. بنا به گفته محمدی (همان: ص ۲۰۱) مطلق‌گرایی شخصیت، کودکان را به این باور میرساند که انسان تغییرناپذیر است و تلاش برای بهبود شخصیت و زندگی فردی و اجتماعی بیهوده است اما شخصیتهای نسبی که ترکیبی از صفات مثبت و منفی هستند، واقعیت وجودی انسان را بهتر بیان میکنند.

**شخصیتهای ایستا و پویا:** شخصیت ایستا<sup>۱</sup>، شخصیتی است که در داستان تغییر نکند و حوادث داستان روی او تأثیر نگذارد و شخصیت پویا<sup>۲</sup> شخصیتی است که مدام در داستان دستخوش تغییر و تحول باشد (عناصر داستان، میرصادقی: صص ۱۳۴-۱۳۳). در واقع شخصیت ایستای داستان در پایان همان است که در آغاز بوده است اما شخصیت پویا این‌گونه نیست. دگرگونی در رفتار و منش شخصیتهای داستان در فاصله بین حالت پایدار نخستین (آغاز داستان) تا حالت پایدار فرجامین (پایانه داستان) صورت میگیرد؛ در داستانهای کودک و نوجوان نمیتوان انتظار داشت تحول بزرگی در شخصیت کودک انجام گیرد. تحول شخصیت در داستانهای کودک در حدی است که رفتار نامناسبی را ترک و رفتار مناسبی را انتخاب کند یا رفتار سابق را رها کرده و رفتاری تازه را بپذیرد (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، محمدی: ص ۲۰۹). چه‌بسا ممکن است اصلاً تحول شخصیتی صورت نگیرد و شخصیت داستان بدلیل پرتحرک و ماجراجو بودن، جزو شخصیتهای پویا بشمار می‌آید. کودکان شخصیتهای پرتحرک و ماجراجو را میپسندند؛ زیرا اینگونه شخصیتهای بازیگوش بودن که در سرشت کودک است، نزدیکتر هستند. بنا به نظر محمدی، کودکان از داستانهای بی‌تحرک که تلاش میکنند حالت‌های روانی انسان را تبیین کنند و از شخصیتهای درونگرا بیزار هستند (همان: ص ۲۰۵). بنابراین در ادبیات کودک میتوان کاراکترهایی را که کنشهای بیشتری از خود بروز میدهند و پرتحرک و ماجراجو هستند، شخصیت پویا، و کاراکترهایی که بیشتر درون آنها را نمایش میدهند و کنش کمتری دارند، شخصیت ایستا در نظر گرفت (رشیدی و یحیایی، ۱۳۹۵).

داستانهای دارای شخصیت پویا، نه‌تنها کمک میکند کودک با آن شخصیت بهتر همزادپنداری کند، بلکه او را به تلاش برای اصلاح رفتارهای نادرستش وامیدارند (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، محمدی: ص ۲۰۹).

**شخصیتهای تک‌بعدی و چندبعدی:** شخصیت داستان میتواند تک‌بعدی یا چندبعدی باشد. شخصیتهای چندبعدی خلیقات پیچیده‌ای دارند؛ نمیتوان براحتی آنها را شناخت اما شخصیتهای تک‌بعدی، شخصیتهای ساده و سطحی هستند که معمولاً این نوع شخصیت یکی دو خصلت بیشتر ندارد و به‌آسانی شناخته میشود و در ذهن خواننده باقی میماند.

در آثار ادبی کودک و نوجوان، مخاطب کودک با شخصیت ساده یا تک‌بعدی ارتباط بهتری برقرار میکند و به درک و شناخت بهتری از آن دست مییابد. هر میزان سن کودک افزایش مییابد از خواندن داستانهایی با شخصیتهای

<sup>۱</sup>. Static personality

<sup>۲</sup>. Dynamic personality



پیچیده لذت بیشتری میبرد و به شناخت عمیقتری از آنها دست مییابد (نیری و مرتضایی، ۱۳۹۲). برای کودکان دوره دبستان شخصیتهای ساده یا تک‌بعدی و برون‌گرا نسبت به شخصیتهای چندبعدی و درون‌گرا با انگیزه‌های پیچیده قابل درک‌تر است. همچنین شخصیتهای برون‌گرا آنچه را که در ذهن دارند، به مرحله عمل درمی‌آورند؛ گوشه‌گیر و انزواطلب نیستند بلکه ماجراجو و پرتحرکند (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، محمدی: صص ۲۰۶-۲۰۴). کودکان اینگونه شخصیتهای را میپسندند و جذب آنها میگردند.

### شیوه‌های شخصیت‌پردازی

کاراکتر داستان، محور تمام حوادث و کنشهای روایت را تشکیل میدهد. محوریت این عنصر، نویسنده را بر آن میدارد به شیوه درست و مناسب، کاراکترهای داستانی خود را به مخاطب معرفی کند. به همین جهت پرداخت درست شخصیتهای کاراکترها از سوی نویسندگان اهمیت ویژه‌ای مییابد؛ زیرا با استفاده از ابزارها و شیوه‌های شخصیت‌پردازی، نه تنها روایت‌های داستان پیش میرود و رخداد‌های مناسب با فرآیندهای داستان شکل میگیرد، بلکه کودک میتواند با کاراکترهای داستانی همزادپنداری کند و از این طریق بصورت غیرمستقیم تجربیات و دانستنیهای بسیاری را فراگیرد. برای این منظور، نویسنده ممکن است از شیوه‌های گوناگون شخصیت‌پردازی استفاده کند. این روشها میتوانند مستقیم، غیرمستقیم یا تلفیقی باشند. روش مستقیم آن است که نویسنده با شرح و تحلیل رفتار و اعمال و افکار شخصیتهای کاراکترهای داستانی را بطور مستقیم معرفی میکند. در روش غیرمستقیم نویسنده با نمایش اعمال و کنشهای ذهنی و عواطف درونی شخصیت، غیرمستقیم کاراکتر داستان را به خواننده میشناساند. در روش تلفیقی از یک سو، نویسنده بطور مستقیم با کمک ابزارهایی چون توصیف ویژگیهای ظاهری کاراکترها، از زبان راوی یا خود کاراکتر، از طریق گفتگو، نام و به کمک تصویر، به معرفی اجمالی کاراکترها میپردازد، و از سویی دیگر با نشان دادن جنبه‌های شخصیتهای کاراکترها در میان حوادث داستان و نشان دادن کنشها و رفتارهای آنها بصورت غیرمستقیم اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار میدهد.

### شخصیت‌پردازی بیرونی و درونی

شخصیت‌پردازی درونی با کارکردهای پیچیده ذهن مرتبط است و هر کودکی نمیتواند کارکردهای پیچیده ذهن را درک کند؛ به همین جهت برای کودکان دوره دبستان، شخصیت برون‌گرا نسبت به شخصیت درون‌گرا قابل درک‌تر است. نیکولایووا معتقد است در ادبیات کودک، نویسنده‌ها بیشتر به شخصیت‌پردازی بیرونی گرایش دارند تا درونی؛ زیرا توصیف بیرونی تصویری آشکارتر از شخصیت در اختیار خواننده قرار میدهد. در توصیف بیرونی، نویسنده با گزاره‌های روایی، ویژگیهای شخصیتهای داستانی را در حد و اندازه‌ای که صلاح ببیند، به کودک منتقل میکند. همین گزاره‌ها و توصیفات است که تفسیر کودک از شخصیت داستان را شکل میدهد (مجموعه مقالات دیگرخوانیهای ناگزیر، نیکولایووا: صص ۵۶۶-۵۶۵).

### باورپذیری شخصیت کاراکترها

در بررسی شخصیت‌پردازی، توجه به ویژگیهایی چون باورپذیری کاراکتر و همزادپنداری با کاراکتر میتواند در جلب نظر مخاطب کودک تأثیرگذار باشد. داستان از طریق کاراکترهای خود با کودک ارتباط برقرار میکند. اگر شخصیت کاراکترها در داستانهای کودک و نوجوان بخوبی پردازش شود تا قابل قبول و باورپذیر گردد، سبب میشود

که مخاطب کودک با آن کاراکتر احساس نزدیکی داشته باشد و با آن همزادپنداری کند و جذب داستان گردد. برای نمونه به گفته محمدی (روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان: صص ۱۱۹-۱۱۸)، «نویسنده داستان کودک نباید کودکانی را خلق کند که یک‌تنه به جنگ ظلم بروند و پیروز بیرون آیند. چنین موضوعی نقض باورپذیری ناشی از نشناختن کارکردهای جامعه است». بنا به گفته حجازی (ادبیات کودکان و نوجوانان ویژگی‌ها و جنبه‌ها: ص ۱۰۲)، برای باورپذیری شخصیت کاراکترهای یک اثر ادبی، کافی است که شخصیت آن کاراکتر در چارچوب همان داستان باورپذیر باشد، زنده بوده و عمل کند نه اینکه در موردش صحبت شود.

### همزادپنداری با کاراکترها

کودکان بسبب تخیل گسترده و حس همانندسازی و الگوپذیری‌ای که دارند، خود را به جای قهرمان داستان می‌گذارند و با او همزادپنداری میکنند. آنان از این طریق جذب داستان می‌گردند و معیارهای قهرمان داستان را الگوی خود قرار می‌دهند. به این ترتیب همراه با قهرمان داستان، ماجراهای گوناگون و احساسات مختلفی چون مهربانی، بخشش، مبارزه، چاره‌جویی، ناامیدی، ترس، شجاعت و غیره را تجربه می‌کنند. کودکان با همزادپنداری با قهرمان داستان، علاوه بر اینکه می‌توانند داستان را با خاطرات و تجربیات شخصیشان تطبیق دهند و از داستان لذت بیشتری ببرند، می‌توانند با جنبه‌های دیگر زندگی آشنا شوند، مهارت‌های جدید کسب کنند و بعضی از باورهای نادرست خود را تغییر دهند و حتی مشکلاتشان را بشناسند. هنگامی که کودک از طریق همزادپنداری کشف میکند که در مشکلات خود تنها نیست و کودکان دیگری نیز در این تجربه‌ها شریک هستند، احساس امنیت و آرامش میکند و از تنهایی او کاسته می‌شود. کودک با این همزادپنداری و الگوپذیری می‌آموزد که بتواند مسائل و مشکلات پیش رو در دوران کودکی و نوجوانی را حل کند. پریخ و امجدی (۱۳۸۶) معتقدند «همانندسازی برای کودک، چالشی ذهنی برای خودآزمایی و مسئله‌گشایی بدون دخالت بزرگسالان است».

خلاصه یافته‌های این ویژگی ذیل زمینه‌های همزادپنداری به قرار زیر است.

الف) انتخاب شخصیت‌های کاراکترها متناسب با سن کودک

ب) قرار گرفتن کودک بعنوان قهرمان داستان

ج) باورپذیر بودن شخصیت‌های کاراکترها

د) وجود شخصیت‌های پویا در داستان

### ابزارهای شخصیت‌پردازی

نویسنده داستان با کمک گرفتن از ابزارهای شخصیت‌پردازی، به معرفی کاراکتر داستان خود می‌پردازد و خواننده از این طریق با کاراکترهای داستان آشنا می‌شود. از میان ابزارهای گوناگون برای شخصیت‌پردازی، نیکولایوا به کنش، گفتار و آشنایی‌زدایی توجه بیشتری داشته است. او کنش‌های کاراکترها را ابزاری غیرمستقیم برای معرفی شخصیت‌ها می‌داند (مجموعه مقالات دیگرخوانی‌های ناگزیر، نیکولایوا: صص ۵۶۳-۵۶۲). به اعتقاد نیکولایوا مخاطبان ادبیات کودک و نوجوان کنش‌های عجیب و شگفت‌انگیز کاراکترها را بر کنش‌های عادی ترجیح می‌دهند (همانجا).

یکی دیگر از ابزارهای نیرومند در شخصیت‌پردازی از نظر نیکولایوا، آشنایی‌زدایی یا بیگانه‌سازی است. این ابزار به نویسنده مجال می‌دهد تا کاراکترها را در موقعیت‌های غریب قرار دهد و در نتیجه داستان را برای خوانندگان

هیجان‌انگیزتر کند (همان: ص ۵۶۴). آشنایی‌زدایی در داستان می‌تواند شامل آشنایی‌زدایی در ماهیت شخصیت، کلام، گفتگوی شخصیتها، کنش و رفتار، نامگذاری و هر جنبه‌ای از ویژگیهای شخصیتی کاراکترها باشد.

### بررسی تقسیم‌بندی کاراکترها و شخصیتها

در مطالعه پیش رو، تنها تنوع کاراکترهای اصلی و شخصیت‌های آنها مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا داستان بر مدار کاراکترهای اصلی می‌چرخد و کاراکترهای فرعی نقش خاصی در ساختار داستان ندارند و بیشتر در برخورد با کاراکترهای اصلی ظاهر میشوند. بررسیهای انجام‌شده درباره نوع کاراکترهای اصلی در داستانهای تألیفی نشان میدهد ۵۵ درصد کاراکترهای اصلی از نوع انسانی، ۳۵ درصد از نوع حیوانی، ۵ درصد از نوع انسانی-تخیلی و ۵ درصد از نوع ذهن‌ساخت بوده است. در داستانهای بررسی‌شده ترجمه‌های ۹۰ درصد کاراکترهای اصلی از نوع انسانی و ۱۰ درصد آن از نوع حیوانی بوده است. آمار نشان میدهد در هر دو نوع داستان، بیشتر کاراکترها از نوع انسانی بوده است.

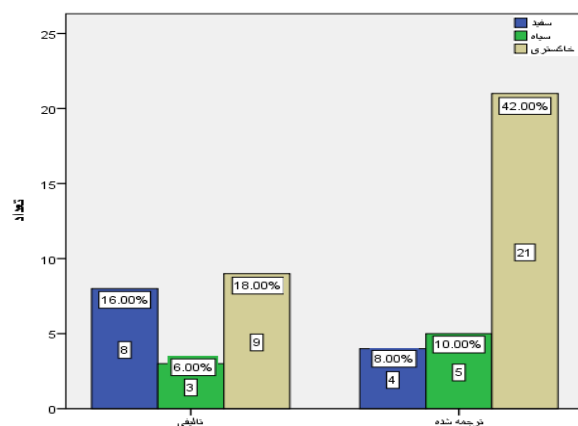
از سویی نیز، کودک بودن کاراکتر اصلی انسانی نیز، بسبب جذابیت بیشتر برای خواننده کودک و ایجاد امکان بهتر برای همزادپنداری، مورد کاوش قرار گرفت. بررسیهای انجام‌شده در داستانهای تألیفی نشان میدهد از میان کاراکترهای انسانی، ۵۴/۵ درصد کاراکترهای اصلی کودک و ۴۵/۵ درصد غیرکودک بوده است. در داستانهای ترجمه‌ای از میان کاراکترهای انسانی ۸۱/۵ درصد آن کودک و ۱۸/۵ درصد آن غیرکودک بوده است. از این نظر، داستانهای ترجمه‌ای نسبت به تألیفی موفقتر بوده است؛ زیرا کودک با قهرمان داستانهای ترجمه‌ای راحتتر ارتباط برقرار میکند.

### بررسی شخصیت‌های سیاه، سفید و خاکستری

شخصیت‌های داستانهای بررسی‌شده به سه گروه سیاه (مطلق بد، شخصیت با صفات منفی)، سفید (مطلق خوب، شخصیت با صفات مثبت) و خاکستری (شخصیت نسبی: ترکیبی از صفات مثبت و منفی) تقسیم شد. آمارهای بدست‌آمده از بررسی ۵۰ داستان تألیفی و ترجمه‌ای نشان میدهد در داستانهای تألیفی ۱۶ درصد از شخصیت‌های داستان، سفید، ۶ درصد سیاه و ۱۸ درصد خاکستری بوده است؛ در داستانهای ترجمه‌ای، ۸ درصد شخصیتها سفید، ۱۰ درصد سیاه و ۴۲ درصد خاکستری مشاهده شده است. جدول و نمودار شماره ۱، متغیر نوع شخصیت سیاه، سفید و خاکستری را در هر دو نوع داستان نشان میدهد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی متغیر شخصیت سیاه، سفید و خاکستری در ۵۰ داستان بررسی‌شده

نوع داستان	سفید		سیاه		خاکستری	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تألیفی	۸	۱۶	۳	۶	۹	۱۸
ترجمه‌ای	۴	۸	۵	۱۰	۲۱	۴۲



نمودار شماره ۱. متغیر شخصیت سیاه، سفید و خاکستری در ۵۰ داستان بررسی شده

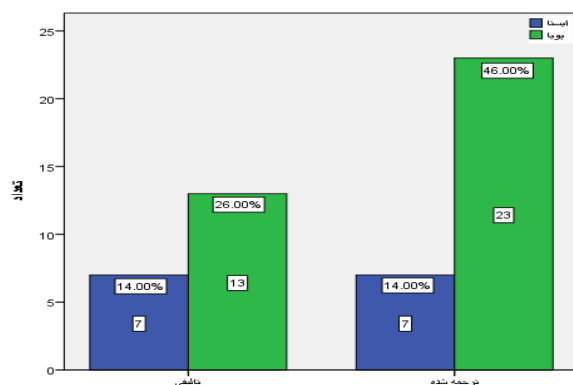
همانگونه که نمودار بالا نشان میدهد، در هر دو داستان تألیفی و ترجمه‌ای، بیشترین درصد به شخصیت‌های خاکستری اختصاص یافته یعنی باورپذیر بوده و کودک میتواند با آن ارتباط برقرار کند؛ اما داستانهای ترجمه‌ای به نسبت تألیفی موفقتر بوده‌اند.

#### بررسی شخصیت‌های ایستا و پویا

نتایج آماری بدست‌آمده از بررسی نشان‌دهنده در هر دو نوع داستان تألیفی و ترجمه‌ای، شخصیت‌های پویا فراوانی بیشتری دارند. در ۱۳ داستان تألیفی (معادل با ۲۶ درصد) شخصیتها پویا و در ۷ داستان (معادل با ۱۴ درصد) شخصیتها ایستا بوده‌اند و در ۲۳ داستان ترجمه‌ای (معادل با ۴۶ درصد) شخصیتها پویا و در ۷ داستان (معادل با ۱۴ درصد) شخصیتها ایستا هستند. جدول و نمودار شماره ۲ متغیر شخصیت‌های ایستا و پویا در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای را نشان میدهد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی متغیر فراوانی متغیر شخصیت ایستا و پویا در ۵۰ داستان بررسی شده

نوع داستان	پویا		ایستا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تألیفی	۱۳	۲۶	۷	۱۴
ترجمه	۲۳	۴۶	۷	۱۴



نمودار شماره ۲. متغیر شخصیت ایستا و پویا در ۵۰ داستان بررسی‌شده

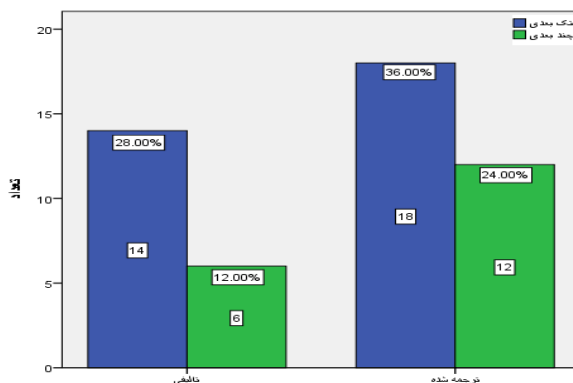
نظر به اینکه شخصیت‌های پویا افزون بر همزادپنداری، کودک را به تلاش برای اصلاح رفتارهای نادرستش وامیدارند، مشاهده میشود که در این مورد، داستانهای ترجمه‌ای به نسبت داستانهای تألیفی موفقتر بوده‌اند.

### بررسی شخصیت‌های تک‌بعدی و چندبعدی

نتایج مشاهده ابعاد شخصی کاراکترها در ۵۰ داستان بررسی‌شده نشان میدهد نسبت شخصیت‌های تک‌بعدی به چندبعدی در داستانهای تألیفی ۲۸ درصد به ۱۲ درصد و در داستانهای ترجمه‌ای ۳۶ درصد به ۲۴ درصد بوده است. جدول و نمودار شماره ۳، نشان‌دهنده متغیر شخصیت‌های تک‌بعدی و چندبعدی در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی متغیر شخصیت تک‌بعدی و چندبعدی در ۵۰ داستان بررسی‌شده

چندبعدی		تک‌بعدی		نوع داستان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۲	۶	۲۸	۱۴	تألیفی
۲۴	۱۲	۳۶	۱۸	ترجمه



نمودار شماره ۳. متغیر شخصیت‌های تک‌بعدی و چندبعدی در ۵۰ داستان بررسی‌شده

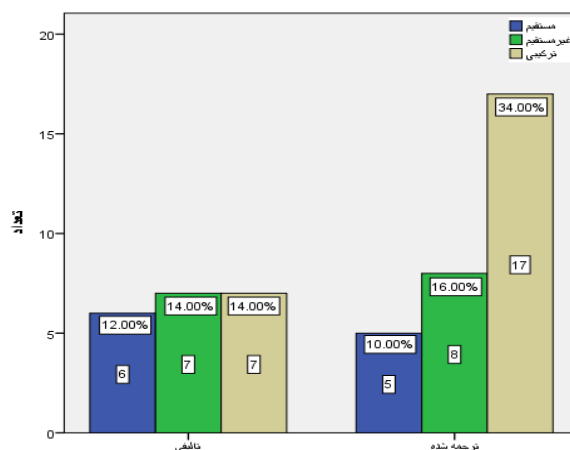
بدین ترتیب در هر دو نوع داستان (تألیفی و ترجمه‌ای)، شخصیت‌های تک‌بعدی فراوانی بیشتری دارند و شخصیت‌های بکاررفته در هر دو نوع داستان (تألیفی و ترجمه‌ای) از لحاظ میزان پیچیدگی، شخصیت‌های ساده، برون‌گرا و فاقد انگیزه‌های پیچیده هستند، اما شخصیت‌های داستان‌های ترجمه‌ای به نسبت تألیفی در این مورد موفقتر عمل کرده‌اند.

### بررسی شیوه‌های شخصیت‌پردازی

بررسی‌های انجام‌شده در مورد شیوه‌های شخصیت‌پردازی در ۵۰ داستان نشان می‌دهد که در ۱۲ درصد داستان‌های تألیفی (معادل با ۶ داستان) از روش مستقیم، در ۱۴ درصد (معادل با ۷ داستان) روش غیرمستقیم و در ۱۴ درصد (معادل با ۷ داستان)، از روش تلفیقی استفاده شده است. طبق آمار بدست‌آمده، میزان استفاده از روش شخصیت‌پردازی غیرمستقیم و روش تلفیقی در داستان‌های تألیفی به یک اندازه بوده و کمترین درصد به روش مستقیم اختصاص یافته است. بنابراین از این منظر، روش داستان‌های تألیفی در مورد شخصیت‌پردازی به روش موردنظر نیکولایوا نزدیکتر است. در داستان‌های ترجمه‌ای ۱۰ درصد داستان‌ها (معادل با ۵ داستان) از روش‌های شخصیت‌پردازی مستقیم، ۲۶/۶۷ درصد (معادل با ۸ داستان) روش غیرمستقیم و ۳۴ درصد (معادل با ۱۷ داستان) از روش تلفیقی استفاده شده است. بدین ترتیب در داستان‌های ترجمه‌ای برای شخصیت‌پردازی، روش تلفیقی بیشتر مشاهده می‌شود که این همسو با نظر نیکولایوا نیست. جدول و نمودار شماره ۴، متغیر شخصیت‌پردازی در هر دو نوع داستان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی متغیر روش‌های شخصیت‌پردازی در ۵۰ داستان بررسی‌شده

نوع داستان	مستقیم		غیرمستقیم		تلفیقی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تألیفی	۶	۱۲	۷	۱۴	۷	۱۴
ترجمه	۵	۱۰	۸	۱۶	۱۷	۳۴



نمودار شماره ۴. متغیر روش شخصیت‌پردازی در هر دو نوع داستان

با توجه به نتایج آماری مربوط به این بخش، میتوان گفت که روش شخصیت‌پردازی تلفیقی، در داستانهای ترجمه‌ای نسبت به داستانهای تألیفی کاربرد بیشتری دارد. استفاده از این روش سبب می‌گردد کاراکترهای داستان برای مخاطب کودک ملموس‌تر شود و راحت‌تر بتواند تصویری از آن کاراکترها را در ذهن خود ایجاد کند و جذب داستان شود. همچنین بررسی‌های انجام‌شده نشان‌میدهد در یک متن قوی، روش شخصیت‌پردازی علاوه بر روش غیرمستقیم، میتواند تلفیقی هم باشد. از این جهت داستانهای ترجمه‌ای از داستانهای تألیفی موفق‌تر بوده‌اند.

### بررسی شخصیت‌پردازی بیرونی و درونی

در هر دو داستان تألیفی و ترجمه‌ای، شخصیت‌پردازی بیرونی بیش از شخصیت‌پردازی درونی مورد توجه قرار گرفته است. از این نظر، شخصیت‌پردازی هر دو داستان با الگوی نیکولایوا مطابقت دارد که بیان و استدلال کرده بود در ادبیات کودک، نویسنده‌ها بیشتر به شخصیت‌پردازی بیرونی گرایش دارند تا درونی.

### بررسی باورپذیری شخصیت کاراکترها

مشاهدات در بررسی باورپذیری شخصیتها نشان میدهند که در هر دو نوع داستان تألیفی و ترجمه‌ای به اصول توجه شده است. کاراکترهای داستانی و ویژگیهای شخصیتی آنها در داستانهای مورد بررسی بگونه‌ای پردازش شده بود که برای مخاطب باورپذیر بوده و کودک میتواند با آنها ارتباط برقرار کند.

### بررسی ابزارهای شخصیت‌پردازی

بررسیها نشان میدهد در هر دو نوع داستان (تألیفی و ترجمه‌ای) از میان ابزارهای مختلف برای شخصیت‌پردازی از دو ابزار کنش و گفتار استفاده بیشتری شده است. عنصر گفتار در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای بررسی شده به دو صورت مونولوگ و دیالوگ دیده میشود. تعداد دیالوگ نسبت به مونولوگ بیشتر است که دلیل این امر، گرایش به تحرک و پویایی در این داستانهاست. از این نظر هر دو نوع داستان با نظر نیکولایوا همسو است. در مورد کنشهای عجیب و شگفت‌انگیز کاراکترها در برابر کنشهای عادی، بررسی‌های انجام‌شده در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای بیانگر این مطلب است که نویسندگان این داستانها با استفاده از ابزارهایی چون توصیف بیرونی، خلق کنشهای تخیلی از زبان راوی یا در خلال گفتگوهای کاراکترها به باوراندن و شناساندن شخصیت‌های کاراکتر پرداخته‌اند. از این جهت هر دو نوع داستان همسو با نظر نیکولایوا است اما با مطالعه تک‌تک آثار مشاهده شد که داستانهای ترجمه‌ای نسبت به داستانهای تألیفی از کنشهای شگفت‌انگیز بیشتری برخوردارند.

در کاربرد ابزار آشنایی‌زدایی یا بیگانه‌سازی طبق نتایج بدست‌آمده، در داستانهای تألیفی از بین ۲۰ داستان، در ۱۲ داستان و در داستانهای ترجمه‌ای از بین ۳۰ داستان، در ۲۴ داستان آن از ابزار آشنایی‌زدایی استفاده شده است. بدین ترتیب در داستانهای ترجمه‌ای از این ابزار بیشتر استفاده شده است.

در کنار ابزارهایی که نیکولایوا بر آن تأکید داشته، در داستانهای بررسی‌شده از ابزارهای دیگری چون توصیف راوی، توصیف وضعیت ظاهری، نام و لحن هم برای شخصیت‌پردازی استفاده شده است که در شناساندن شخصیت‌های کاراکتر داستان به مخاطب بی‌تأثیر نبوده‌اند.

## نتیجه‌گیری

از واکاوی تطبیقی عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستانهای تألیفی و ترجمه‌ای نتایج زیر در جهت تحقق هدف مطالعه پیش رو بدست آمد.

در هر دو نوع داستان، بیشتر کاراکترها از نوع انسانی بوده‌اند. در کاراکترهای اصلی انسانی، قرار گرفتن کودک بعنوان قهرمان اصلی داستان، میتواند داستان را برای خواننده کودک و نوجوان جذاب کند. از این نظر، داستانهای ترجمه‌ای با ۸۱/۵ درصد نسبت به داستانهای تألیفی با ۵۴/۵ درصد، موفقتر بوده است.

در هر دو داستان، بیشترین درصد به شخصیت‌های خاکستری اختصاص یافته و این نشان‌دهنده آن است که شخصیت‌های اصلی در هر دو نوع داستان برای مخاطب ملموس، واقعی و باورپذیر بوده‌است اما داستانهای ترجمه‌ای با ۴۲ درصد در برابر داستانهای تألیفی با ۱۸ درصد، موفقتر بوده‌اند. در هر دو نوع داستان تألیفی و ترجمه‌ای، شخصیت‌های پویا فراوانی بیشتری دارد اما شخصیت‌های پویا در داستانهای ترجمه‌ای به نسبت داستانهای تألیفی با درصد ۴۶ به ۲۶ درصد موفقتر بوده‌اند. در هر دو نوع داستان، شخصیت‌های تک‌بعدی فراوانی بیشتری دارد و نسبت شخصیت‌های تک‌بعدی داستانهای ترجمه‌ای به داستانهای تألیفی ۳۶ درصد به ۲۸ درصد بوده است که در این مورد هم داستانهای ترجمه‌ای موفقتر بوده‌اند. همچنین در هر دو نوع داستان، شخصیت‌ها ساده، برون‌گرا و فاقد انگیزه‌های پیچیده هستند. در داستانهای تألیفی، میزان استفاده از روش شخصیت‌پردازی غیرمستقیم و روش تلفیقی به یک اندازه (۱۴ درصد) بوده است و کمترین درصد به روش شخصیت‌پردازی مستقیم (۱۲ درصد) اختصاص یافته است. از این منظر، با نظریه نیکولایا مطابقت دارد. اما شخصیت‌پردازی در بیشتر داستانهای ترجمه‌ای به روش تلفیقی (۳۴ درصد) بوده و ۱۰ درصد داستانها به روش مستقیم، ۲۶ درصد داستانها به روش غیرمستقیم شخصیت‌پردازی شده‌اند. نتایج آماری نشان میدهد که داستانهای ترجمه‌ای از این جهت همسو با نظر نیکولایا نیست.

در هر دو داستان تألیفی و ترجمه‌ای، شخصیت‌پردازی بیرونی بیش از شخصیت‌پردازی درونی مورد توجه قرار گرفته است. از این نظر، هر دو دسته از داستانها با الگوی نیکولایا مطابقت دارند. از میان ابزارهای گوناگون برای شخصیت‌پردازی، نیکولایا به کنش، گفتار و آشنایی‌زدایی توجه بیشتری داشته است. در هر دو نوع داستان (تألیفی و ترجمه‌ای) از میان ابزارهای مختلف برای شخصیت‌پردازی از این سه ابزار (کنش، گفتار و آشنایی‌زدایی) استفاده بیشتری شده است. گرچه کارکرد این ابزارها در هر دو نوع داستان همسو با نظر نیکولایا است، اما با مطالعه تک‌تک آثار میتوان دریافت کنشهای شگفت‌انگیز در داستانهای ترجمه‌ای نسبت به داستانهای تألیفی بیشتر بوده است. ابزار گفتار در هر دو نوع داستان کاربرد زیادی دارد. عنصر گفتار به دو صورت مونولوگ و دیالوگ بوده است و تعداد دیالوگ از مونولوگ بیشتر است که دلیل این امر، گرایش به تحرک و پویایی در این داستانهاست. از این ابزار در داستانهای ترجمه‌ای از تألیفی بیشتر استفاده شده است. یکی دیگر از ابزارهای نیرومند در شخصیت‌پردازی از نظر نیکولایا آشنایی‌زدایی است که سبب می‌گردد داستان برای خوانندگان هیجان‌انگیزتر شود. در این زمینه هم، داستانهای ترجمه‌ای از تألیفی موفقتر بوده‌اند. اگر شخصیت‌های کاراکترها در داستانهای کودک و نوجوان بخوبی شخصیت‌پردازی شود تا قابل قبول و باورپذیر باشد و کودک با آن همزادپنداری کند، میتواند در جذب مخاطب کودک تأثیرگذار باشد. در هر دو نوع داستان، شخصیت‌های کاراکترهای داستانی از عناصر یادشده باورپذیری برخوردار بوده‌اند. بررسی‌های پیشین نشان داده‌اند که کودکان با داستانهای دارای کاراکتر کودک که از شخصیت پویا، ملموس، واقعی و باورپذیر متناسب با سن کودک برخوردارند راحتتر میتوانند همزادپنداری کنند. در همه این موارد داستانهای ترجمه‌ای از داستانهای تألیفی موفقتر عمل کرده‌اند. روشن است که این موارد با همه اهمیت‌ها که



در بررسی موفقیت جذب مخاطب دارند و باید در برنامه‌ریزی پرورش کودکان و نوجوانان کشور مد نظر قرار گیرند، همه موارد مؤثر را دربر نمیگیرند و جنبه‌های دیگر، از جمله ظاهر و ویژگیهای غیرمحتوایی کتابها، نیز در این زمینه نقش دارند که باید بدقت بررسی شوند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فرشته مؤمنی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار آزاده لاریجانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر وجیهه ترکمانی باراندوزی و سرکار خانم دکتر مریم شادمحمدی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از خانه کتاب و ادبیات ایران که اطلاعات آماری را در اختیارمان گذاشته و آقای دکتر زارعی که در انجام محاسبات آماری این مطالعه کمک کرده‌اند اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Baraheni, R. (۱۹۸۹). *Storytelling*. Tehran: Alborz, p. ۶۳.
- Dictionary, Merriam-Webster, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/character>. Accessed ۱۴ Apr. ۲۰۲۱.
- Ellis, A. Abrams, M and Abrams L. (۲۰۰۹). *Personality Theories: Critical Perspectives* (paper book), by sage publications Inc.
- Ghasemzadeh, A. fazlollah khodadadi, F. & shamluyi, A. (۲۰۱۹). The relationship between cognitive development and perception of validity in children's and adolescent fiction literature (based on Maria Nikolayeva's theory). *Journal of Child Literature Studies*, Shiraz University. Manuscript Available Online.
- Hejazi, B. (۲۰۱۶). *Children and Adolescents Literature Features and Aspects*. Tehran: Roshangaran & Women studies publishing, p. ۱۰۲.

- Hesampour, S. and Arameshfard, Sh. (۲۰۱۲). A look at the dimensions of narrative in the story of Ahmad Akbarpour's three magical whistles. *Journal of Child Literature Studies*, Shiraz University. ۳ (۱), pp. ۱۹-۴۶.
- Hesampour, S & Mosleh, M. (۲۰۱۵). Comparison of the relationship between text and image in selected Iranian and European-American fiction books based on the theory of Maria Nikolayeva and Carol Scot. *Comparative studies of art*, ۵ (۹), pp. ۴۷-۶۲.
- Hesampour, S. Mosleh & M. KHoshbakht, F. (۲۰۱۴). Text-Image Interaction Website with a Comparative Study of Top Iranian and Non-Iranian Picture Fiction Books (Based on the Theory of Maria Nikolayeva and Carol Scott). *Journal of Child Literature Studies*, Shiraz University, ۵ (۲), PP. ۲۵-۵۴.
- Jamali, A. and Ghorbani, H. (۲۰۱۸). A study of the thousand-year-old narrative of Shahriyar Mendanipour based on Nikolayeva's theory. *Quarterly Journal of Literary Research*. ۱۵ (۵۹), pp. ۹-۳۲.
- Mackay, R. (۲۰۱۰). *Story: structure, style and principles of screen writing*. Translated by Mohammad Gozarabadi. Tehran: Hermes, p. ۲۴۶.
- MirSadeghi, j. (۲۰۱۵). *Story elements*. Tahran: Sokhan, pp. ۱۳۳-۱۳۴.
- Mohammadi, M. H. (۱۹۹۹). *Methodology in Criticism of Children's Literature*. Tehran: Mo'allef Publishing, pp. ۱۹۹-۲۰۵.
- Nayeri, M. Y. and Mortezaei, P. (۲۰۱۳). Characterization and characterization in works adapted from Rumi's Masnavi for children and adolescents. *Journal of Child Literature Studies*, Shiraz University. ۴ (۱). pp. ۱۳۸-۱۵۹.
- Nejati.H. (۲۰۰۹). *Accrete Behaviorism Babe & Teens*. Tehran: Bikaran, pp. ۴۷-۴۸.
- Nikolajeva, M. (۲۰۰۴). *Narrative theory and children's Literature*. International Companion Encyclopedia of Children's literature. New York: Rutledge, pp. ۱۶۶-۱۷۸.
- Nikolajeva, M. (۲۰۰۸). *Beyond the grammar of the book, a collection of articles on other inevitable readings*. Translated and compiled by Morteza Khosronejad. Tehran: Kanun-e-Parvareh-e-fekri -e- kudakan -Va- Nojavanan Publishing, pp. ۵۶۲-۵۶۶.
- Parirokh, M. and Amjadi, Z. (۲۰۰۷). Story is a tool to help children and adolescents solve problems. *Journal of Children and Adolescent Literature*. No. ۴۷, pp. ۱-۲۰.
- Rashidi, S. and Yahyaei, M. (۲۰۱۶). A study of characterization in children's stories focusing on ۳۹ ۰۰۰۰۰. ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰، ۷ (۱)، ۰۰. ۸۵-۱۰۶.
- Sadeghi, I. and Zahiri, B. and Ranjbar E. (۲۰۱۸). A Study of the Fantasy Stories of the ۱۹۸۰s from the Perspective of Maria Nikolayeva's Narrative Theory. *Quarterly Journal of Persian Poetry and Stylistics* (Spring of Literature). ۱۱ (۳), pp. ۲۰۳-۱۸۳.
- Shamisa, S. (۲۰۱۵). *Literary Criticism*. Tehran: Mithra, p. ۲۸۹.
- Shamloo, S. (۲۰۰۵). *Schools and theories in personality psychology*. Tehran: Roshd, p. ۱۵.
- Siger, L. (۱۹۹۵). *Creating lasting characters*. Translated by Abbas Akbari. Tehran: Center for Experimental Cinema, pp. ۳۳-۴۸.
- Soleimani, M. (۲۰۰۰). *The art of storytelling*. Third edition. Tehran: Amirkabir, p. ۱۱۵.
- Yunesi, E. (۱۹۷۶). *The art of storytelling*, Tehran: Amirkabir, p. ۲۷۵.
- Yousefi, M. R. (۲۰۰۷). *Background of recognizing children's & adolescent literature*. Tehran: Peyk- Bahar, p. ۱۲۷.

## فهرست منابع فارسی

- ادبیات کودکان و نوجوانان؛ ویژگیها و جنبه‌ها، حجازی، بنفشه، (۱۳۹۵)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- بررسی داستانهای فانتزی دهه هشتاد از منظر نظریه‌ی روایی ماریا نیکولایوا، صادقی، عمران؛ ظهیری، بیژن و رنجبر، ابراهیم، (۱۳۹۷). فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) (۳) ۱۱، صص ۲۰۳-۱۸۳.
- بررسی رابطه رشدشناختی و درک روایی در ادبیات داستانی کودک و نوجوان (براساس نظریه ماریا نیکولایوا)، قاسم‌زاده، سیدعلی؛ خدادادی فضل‌الله و شاملویی، علی. (۱۳۹۸). مطالعات ادبیات کودک شیراز. (دی ماه انتشار آنلاین).
- بررسی روایت هزارویک سال اثر شهریار مندنی‌پور بر پایه نظریه نیکولایوا، جمالی، عاطفه و قربانی، حسین. (۱۳۹۷). فصلنامه پژوهشهای ادبی. (۵۹) ۵، صص ۳۲-۹.
- بررسی شخصیت‌پردازی در داستانهای خردسالان با تمرکز بر ۳۹ اثر، رشیدی، صفورا سادات و یحیایی، محمد. (۱۳۹۵). مجله علمی - پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز (۱) ۷، صص ۱۰۶-۸۵.
- تارنمای برهم‌کنشانه متن و تصویر با بررسی تطبیقی کتابهای برتر داستانی تصویری ایرانی و غیرایرانی (برپایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکات). حسام‌پور، سعید؛ مصلح، سعید؛ و خوشبخت، فریبا (۱۳۹۳). مطالعات ادبیات کودک شیراز، (۲) ۵، صص ۵۴-۲۵.
- خلق شخصیت‌های ماندگار، سیگر، لیندا. (۱۳۷۴). ترجمه عباس اکبری. تهران: مرکز سینمای تجربی.
- داستان ابزاری برای کمک به کودک و نوجوان در حل و مقابله با مشکلات. پریخ، مهری و امجدی، زهرا. (۱۳۸۶). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۴۷، صص ۲۰-۱.
- داستان؛ ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی. مک‌کی، رابرت. (۱۳۸۹). ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: هرمس.
- روان‌شناسی رشد. نجاتی، حسین، (۱۳۸۸)، تهران: بیکران.
- روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان. محمدی، محمدهادی، (۱۳۷۸)، تهران: مؤلف.
- زمینه‌شناخت ادبیات کودکان و نوجوانان. یوسفی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، تهران: پیک بهار.
- شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی در آثار اقتباسی از مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان. نیری، محمدیوسف و مرتضایی، پروین. (۱۳۹۲)، مجله علمی - پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز (۱) ۴، صص ۱۵۹-۱۳۸.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال. (۱۳۹۴)، تهران: سخن.
- فراسوی دستور داستان، از کتاب مجموعه مقالات دیگرخوانیهای ناگزیر. نیکولایوا، ماریا، (۱۳۸۷) ترجمه و گردآوری مرتضی خسرونژاد، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان.
- فن داستان‌نویسی. سلیمانی، محسن. (۱۳۷۹). چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- قصه‌نویسی. براهنی، رضا. (۱۳۶۸)، تهران: البرز.
- مقایسه رابطه متن و تصویر در کتابهای داستانی - تصویری برگزیده ایرانی و اروپایی - آمریکایی معاصر بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکات، حسام‌پور سعید و مصلح، ملیحه. (۱۳۹۴). مطالعات تطبیقی هنر (۹) ۵، صص ۶۳-۴۷.
- مکتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. شهاملو، سعید، (۱۳۸۴). تهران: رشد.
- نقد ادبی. شمیسا، سیروس، (۱۳۹۴)، تهران: میترا.

نگاهی به ابعاد روایت‌مندی در داستان سه سوت جادویی احمد اکبریور؛ حسام‌پور، سعید و آرامش‌فرد، شیدا. (۱۳۹۱).  
مجله علمی - پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز (۱) ۳، صص ۴۶-۱۹.  
هنر داستان‌نویسی، یونسی، ابراهیم، (۱۳۵۵)، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

### معرفی نویسندگان

**آزاده لاریجانی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

(Email: [azade.larijani1357@gmail.com](mailto:azade.larijani1357@gmail.com))

**فرشته مؤمنی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

(Email: [f\\_momeni211@iauc.ac.ir](mailto:f_momeni211@iauc.ac.ir) : نویسنده مسئول)

**وجیهه ترکانی باراندوزی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

(Email: [v.Torkamani@iaue.au.ir](mailto:v.Torkamani@iaue.au.ir))

**مریم شادمحمدی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

(Email: [shadmohamadi80@yahoo.com](mailto:shadmohamadi80@yahoo.com))

### COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

### Introducing the authors

**Azadeh Larjani:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

(Email: [azade.larijani1357@gmail.com](mailto:azade.larijani1357@gmail.com))

**Fereshteh Mo'meni:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

(Email: [f\\_momeni211@iauc.ac.ir](mailto:f_momeni211@iauc.ac.ir) : Responsible author)

**Vajihe Turkani Barandozi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

(Email: [v.Torkamani@iaue.au.ir](mailto:v.Torkamani@iaue.au.ir))

**Maryam Shadmohammadi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

(Email: [shadmohamadi80@yahoo.com](mailto:shadmohamadi80@yahoo.com))